

مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۲/۲۰

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۳/۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۲

صص ۵۲ - ۳۷

تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند

*علی‌رضاقلی فامیان

**مریم کارگر

چکیده

در چارچوب نظری فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵) الگویی برای تحلیل تعامل میان نویسنده متن و مخاطب آن ارائه شده است. مطابق با این الگو نویسنده از ابزارهای مختلف فراگفتمانی نظیر نگرش‌نماهای (attitude markers) مثبت و منفی (صفاتی نظیر شیوا، ضعیف)، تردیدنماها (hedges) (کلماتی مانند شاید)، و یقین‌نماها (boosters) - قیدهایی مانند حتماً - برای بیان ارزش‌های یک پدیده یا میزان تردید یا قطعیت خود در خصوص یک گزاره استفاده می‌کند. در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم بر اساس الگوی نظری هایلند، تصویری عینی از گونه نقد کتاب در زبان فارسی ارائه دهیم. به این منظور چهل مقاله نقد کتاب منتشر شده در نشریات علمی - پژوهشی زبان‌شناسی ایران را به عنوان پیکره پژوهش انتخاب کرده و فراوانی چهار متغیر کلامی شامل نگرش‌نمای مثبت، نگرش‌نمای منفی، تردیدنما و یقین‌نما را بررسی کرده‌ایم. یافته‌ها نشان می‌دهد فراوانی نگرش‌نماهای منفی در کل پیکره بیش از سایر متغیرهای کلامی است. همچنین معلوم شد که منتقدان اغلب متغیرهای کلامی مورد نظر را در بخش پایانی مقالات نقد به کار می‌برند. یافته‌ها در دو گروه منتقدان زن و مرد نیز جالب توجه است، به طوری که فراوانی نگرش‌نماهای منفی و یقین‌نما در نقدهای مربوط به منتقدان مرد دو برابر متون مربوط به منتقدان زن است و به این ترتیب رویکرد جنسیت‌گرا در خصوص زبان و کاربرد آن تقویت می‌گردد. همچنین مشخص شد که در ارزیابی کتاب منتقدان زن بیش از منتقدان مرد به نویسنده کتاب توجه می‌کنند و برعکس، منتقدان مرد بیشتر به خود کتاب می‌پردازند.

کلید واژه‌ها: گونه نقد کتاب، الگوی هایلند، نگرش‌نما، تردیدنما، یقین‌نما

۱. مقدمه

انسان به طور طبیعی تمایل دارد مفاهیم و رویدادهای فردی و اجتماعی را ارزیابی کرده و نظر خود را در باره آنها بیان کند. ارزیابی افکار و آثار دیگران قدمتی ۲۰۰۰ ساله دارد، اما تکامل آن به صورتی که امروز از آن با عنوان گونه نقد یاد می‌شود، از نیمه قرن هفدهم و همزمان با گسترش دانش و انتشار انبوه کتاب‌ها و نشریات آغاز شد (میراندا، ۱۹۹۶). در سده هفدهم بود که انجمن‌های علمی شکل گرفتند، و دقیقاً در سال ۱۶۶۵ نخستین نشریه علمی در رشته فلسفه منتشر شد و همگان آموختند که جدیدترین یافته‌های علمی خود را در نشریات علمی منتشر کنند (لیندهوم-رومانتچوک، ۱۹۹۸: ۵). ارزیابی آراء و آثار فکری در تفکر اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته و سنت سخت‌کوشانه محدثان در جمع‌آوری، تدوین و نقادی احادیث نبوی به عرصه‌های فلسفه، کلام، شعر، ادب و هنر نیز راه یافته است (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۱۴). برای بررسی وضعیت نقد کتاب در ایران می‌توان مجموعه مقالاتی با عنوان «کتاب نقد و نقد کتاب» را مرور کرد. در این کتاب ۴۲ مقاله در سه فصل با عنوان‌های آیین نقد کتاب، ضرورت نقد کتاب و نمونه‌های نقد کتاب ارائه شده است. مقالات مندرج در این کتاب موضوعات متنوعی همچون شیوه نقد کتاب، اخلاق نقد، انتقاد ادبی، نقد گریزی و نقدپذیری و غیره را دربرمی‌گیرند. (خانه کتاب، ۱۳۸۶). گفتنی است در هیچ یک از مقالات کتاب مذکور به ویژگی‌های نثر یا ساختار کلان و خرد گونه نقد کتاب اشاره‌ای نشده است.

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر دیدگاه محققان نسبت به متن علمی تغییر کرده است. امروزه متن علمی، برخلاف گذشته، پدیده‌ای خنثی، عینی و ایستا انگاشته نمی‌شود، بلکه همگان کم‌وبیش بر این باورند که متن اعم از علمی و غیرعلمی، ضمن هدایت دیدگاه خواننده، دنیای ذهنی شامل افکار، تصورات، نگرش‌ها، تعصبات و بسیاری از ویژگی‌های فردی و اجتماعی نویسنده متن را نیز بازتاب می‌دهد. از این منظر، برای مثال متن نقد کتاب، تنها نقد و بررسی کتاب مورد بررسی نیست، بلکه آینه‌ای است که نگرش منتقد را در خصوص کتاب مورد بررسی، نویسنده کتاب و همچنین مخاطبان متن نقد منعکس می‌سازد. با وجود انجام چند پژوهش در زمینه گونه نقد کتاب در برخی زبان‌ها، تاکنون مطالعه‌ای در خصوص ویژگی‌های گفتمانی و فراگفتمانی گونه نقد کتاب در زبان فارسی انجام نشده است. از این رو، محققان پژوهش حاضر کوشیده‌اند شماری از مقالات نقد کتاب‌های تألیف‌شده توسط زبان‌شناسان ایرانی را بر اساس الگوی نظری هایلند (۲۰۰۵) بررسی کرده و صحت یافته‌های مطالعات قبلی را در این حوزه ارزیابی کنند. در بخش بعدی مقاله ابتدا با الگوی نظری هایلند^۱ (۲۰۰۵) آشنا می‌شویم و سپس پیشینه مطالعات در زمینه گونه نقد کتاب را مرور می‌کنیم. در ادامه مقاله، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌ها و نتایج ارائه می‌شود.

۲. الگوی نظری هایلند

برای نخستین بار، هایلند تمام جنبه‌های مربوط به تعامل میان نویسنده متن و خود متن و همچنین نویسنده متن و خواننده متن را ذیل اصطلاح «فراگفتمان» تعریف و طبقه‌بندی کرده و ادعا می‌کند محقق در چارچوب مطالعه مبتنی بر فراگفتمان می‌تواند از دایره متن و گفتمان فراتر رفته و متن را به مثابه کنشی اجتماعی تحلیل کند (هایلند، ۲۰۰۵ الف). در الگوی نظری هایلند، نویسنده متن، آگاهانه یا ناآگاهانه از ابزارهای مختلف زبانی برای تعامل با خواننده استفاده

^۱. K. Hyland

می‌کند. مطابق با این نظریه نویسنده هر متن برای ابراز نگرش خود و نیز جلب مشارکت خواننده از ابزارهای زبانی مختلف همچون نگرش‌نما، تردیدنما، یقین‌نما، ارجاع به خود (self-reference)، و عناصر موسوم به درگیرساز (engagement markers) مانند جملات امری و پرسشی استفاده می‌کند (هایلند، ۲۰۰۵: ۱۷۷). البته نقش سه ابزار نخستین شامل نگرش‌نماها (اعم از مثبت یا منفی) و نیز تردیدنماها و یقین‌نماها در ژانر نقد کتاب مهم‌تر است زیرا ارزشیابی و نقد کتاب اغلب مستلزم استفاده از این سه ابزار گفتمانی است و به همین دلیل در مطالعه حاضر بر این سه ابزار گفتمانی تمرکز می‌کنیم. در ادامه سه ابزار مورد بررسی در مطالعه حاضر را همراه با مثال‌های فارسی مرور می‌کنیم.

۱-۲. نگرش‌نما

منظور از نگرش‌نما، واژه یا عبارتی است که به نوعی دیدگاه و نگرش نویسنده را در خصوص یک پدیده بیان می‌کند. از دیدگاه محققان پژوهش حاضر، گستره نگرش‌نماها در انواع متون بسیار وسیع است. برای مثال، نویسنده متن می‌تواند از صفتی مانند «ارزنده»، یا قیدی نظیر «متأسفانه» یا اسمی مانند «دستاورد» برای ابراز نظرش در خصوص ویژگی‌های یک پدیده استفاده کند. البته، نگرش‌نماها صرفاً و همیشه واژه نیستند و نویسنده ممکن است از یک گروه، بند یا حتی جمله برای ابراز نگرش خود استفاده کند. شایان ذکر است که در الگوی نظری هایلند تقسیم‌بندی خاصی برای نگرش‌نماها مطرح نشده است، اما محققان پژوهش حاضر به دلیل تمرکز بر گونه نقد کتاب و از آنجا که در این گونه اصولاً ارائه دیدگاه مثبت یا منفی حائز اهمیت است، نگرش‌نماها را به دو گروه مثبت و منفی تقسیم کرده‌اند. در زیر چند نمونه از نگرش‌نماهای مثبت و منفی فارسی را (به ویژه مواردی را که در مقالات نقد بیشتر به کار می‌روند) مرور می‌کنیم:

جدول ۱) نگرش‌نماهای مثبت و منفی

	مثبت	صفت: شایسته؛ محترم؛ سترگ؛ مفصل؛ ارزشمند؛ کوشا؛ سخت‌کوش؛ بهترین؛ معتبر
		قید: خوشبختانه؛ به دور از هر گونه تعصبی؛ با جدیت
		اسم: انسجام؛ دستاورد؛ امتیاز؛ نقطه قوت
		بند یا جمله: بسیار مفید به نظر می‌رسد؛ قابل تقدیر است؛ ستودنی است
	منفی	صفت: ناقص؛ ناآشنا؛ مبهم؛ نادرست؛ سؤال‌برانگیز
		قید: متأسفانه؛ بایی‌دقتی؛ اشتباهاً
		اسم: اشکال؛ ایراد؛ اشتباه؛ کاستی؛ نارسایی؛ ضعف؛ خلاء؛ بی‌نظمی
		بند یا جمله: بهتر بود؛ توجهی ارائه نمی‌دهد؛ بی‌آنکه این اصطلاح پیش‌تر تعریف شده باشد؛ از قلم افتاده است

لازم به ذکر است در بخش نگرش‌نماهای منفی، موارد مندرج در بند یا جمله هیچ کدام شامل واژه‌ای نیستند که به خودی خود مفهومی منفی داشته باشد، بلکه برآیند مفهوم آن بند یا جمله نگرشی منفی را به خواننده القا می‌کند. برای مثال، در بند «بی‌آنکه این اصطلاح پیش‌تر تعریف شده باشد» واژه‌ای با بار ارزشی منفی به کار نرفته است، بلکه مفهوم کلی این بند، حامل نگرشی منفی است.

۲-۲. تردیدنما و یقین‌نما

تردیدنماها و یقین‌نماها از دههٔ هفتاد میلادی مورد توجه زبان‌شناسان بوده‌اند (لیکاف، ۱۹۷۲) و در سه دههٔ اخیر جنبه‌های مختلف معنی‌شناختی، کاربردشناختی و شناختی این مقولات زبانی مورد بررسی قرار گرفته (زوک و زوک، ۱۹۸۶)، و حتی تفاوت زنان و مردان در استفاده از این مقولات زبانی مورد توجه محققان بوده است (هلمز، ۱۹۹۰).

تردیدنما به بیان ساده، کلمه یا عبارتی است که شک و تردید نویسنده/گوینده را نسبت به صحت گزارهٔ بیان‌شده اعلام می‌کند. برای مثال، در صورتی که نویسنده بخواهد در خصوص بارش برف در یک زمان مشخص پیش‌بینی کند، با در نظر گرفتن احتمالات معمولاً از قیدهایی مانند «شاید»، «احتمالاً» یا افعال مرکبی مانند «به نظر رسیدن» استفاده می‌کند. برعکس، یقین‌نما صورتی زبانی است که قطعیت و یقین نویسنده/گوینده را نسبت به تحقق امری بازتاب می‌دهد. اگر نویسنده‌ای احساس کند که اطلاعات هواشناسی دقیق و کافی در اختیار دارد، ممکن است از یک یقین‌نما مانند «حتماً» یا «به طور قطع» برای نشان دادن قطعیت خود استفاده می‌کند. لازم به ذکر است که رضوی (۱۳۹۱: ۳۰۶) تردیدنماها و یقین‌نماهای فارسی را ذیل اصطلاح حدنمایی مورد بحث قرار داده و خاطر نشان کرده است که حدنماها (شامل تردیدنماها و یقین‌نماها) تشکیل یک پیوستار را می‌دهند. او با ارائهٔ نمونه‌هایی از زبان فارسی نشان داده است که واژه‌ها و گروه‌های حدنمای قرار گرفته در میانهٔ این پیوستار نقش‌های دوگانهٔ معنایی و کاربردی دارند، در حالی که در دو قطب پیوستار، تکواژهای حدنما فقط بر محتوای معنایی و بندهای حدنما بر محتوای کاربردی آنچه بیان می‌شود تأثیر می‌گذراند. همچنین عبدی (۱۳۸۸) تردیدنماها و یقین‌نماها را به ترتیب ذیل دو اصطلاح عبارات احتیاطی (hedges) و تأکیدها (boosters) معرفی کرده و این دو ابزار را در کنار سایر مقوله‌ها و راهبردهای فراگفتمانی از جمله گذرها (transitions)، چارچوب‌سازها (frame markers)، ارجاع‌های درون‌متنی (endophoric markers) و غیره بررسی کرده است. مطالعهٔ مذکور بر روی ۳۶ مقالهٔ علمی-پژوهشی فارسی در سه رشته از علوم نرم و سه رشته از علوم سخت و همچنین ۳۶ مقالهٔ علمی انگلیسی انجام شده است. یکی از یافته‌های پژوهش مورد نظر است که تفاوت دو زبان فارسی و انگلیسی در به کارگیری عبارات احتیاطی (تردیدنماها) و تأکیدها (یقین‌نماها) احتمالاً حاکی از تفاوت بین کاربران دو زبان در نحوه ارزیابی یافته‌ها و شواهد است (عبدی، ۱۳۸۸: ۱۷۵). در بخش بعد به معرفی پژوهش‌هایی می‌پردازیم که به طور مشخص گونهٔ نقد کتاب را به عنوان پیکرهٔ مطالعه انتخاب کرده‌اند.

۳. پیشینهٔ پژوهش

گونهٔ نقد نه تنها به طور مستقیم دیدگاه منتقد را در بارهٔ یک اثر بیان می‌کند، به طور غیرمستقیم اطلاعاتی را در خصوص خود منتقد نیز آشکار می‌سازد. بی‌تردید، با دقت در یک مقالهٔ نقد کتاب می‌توان خود منتقد را از منظر پیشینهٔ علمی و پژوهشی، توانایی در بیان مسأله، استدلال و بسیاری جزئیات دیگر واکاوی کرد. علاقه‌مندان به مبحث زبان و جنسیت نیز کوشیده‌اند با رویکردی جنسیت‌گرا به این موضوع پردازند. آنان بر این باورند که در گفتمان علم (که از نظر آنان گفتمانی اصالتاً جنسیت‌گراست)، بخش عمدهٔ متون در زبان انگلیسی ماهیتی تهاجمی و رقابتی دارد و در آن ارزش‌های مردانه همچون رقابت، خردمندی و عینیت‌گرایی منعکس می‌شود (فری، ۱۹۹۰ و بلچر، ۱۹۹۷).

تسه^۱ و هایلند به منظور ارزیابی همبستگی میان متغیر جنسیت و استفاده از صورت‌های ناظر بر هویت فردی، ۵۶ مقاله نقد کتاب در نشریات معتبر دو رشته فلسفه و زیست‌شناسی را به همراه مصاحبه با منتقدان و سردبیران نشریات مورد نظر بررسی کردند. در هر رشته ۱۴ مقاله انتشار یافته توسط منتقدان مرد (در نقد هفت کتاب به قلم مردان و هفت کتاب به قلم زنان) و همچنین ۱۴ مقاله منتشر شده توسط منتقدان زن (در نقد هفت کتاب به قلم مردان و هفت کتاب به قلم زنان) گردآوری شد. کل پیکره شامل ۶۱۰۰۰ واژه بود. محققان پیکره را با توجه به عناصری نظیر نگرش‌نماها، تردیدنماها، یقین‌نماها و همچنین و ساخت‌هایی مانند جملات امری و پرسشی بررسی کردند و دریافتند که به طور متوسط در هر مقاله نقد ۵۰ عنصر شامل موارد فوق به کار رفته است. همچنین مشخص شد که مردان در بیان دیدگاه‌هایشان بیش از زنان از کلمات و عبارات یقین‌نما استفاده کرده‌اند (تسه و هایلند، ۲۰۰۹: ۱۱۰).

در مطالعه‌ای دیگر، کنش‌های گفتاری مربوط به ارزشیابی مثبت و منفی در پیکره‌ای شامل ۳۰ مقاله نقد کتاب‌های رشته پزشکی، چاپ شده در نشریه پزشکی بریتانیا، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که در کل پیکره مذکور ۸۶ مورد کنش کلامی منفی در مقابل ۲۷ مورد کنش گفتاری مثبت به کار رفته است. نکته جالب این که در بسیاری از موارد، منتقدان از ابزارهای زبانی مختلف مانند تردیدنماها برای نرم یا متعادل کردن کنش کلامی منفی و همچنین حفظ روابط اجتماعی سازنده با مؤلفان کتاب استفاده کرده‌اند (آلکاراز-آریزا، ۲۰۰۲: ۱۴۸).

۴. اهداف تحقیق

در این پژوهش می‌کوشیم با الهام از انگاره نظری هایلند و با رویکردی آماری و تحلیلی، فراوانی ابزارهای زبانی شامل نگرش‌نماها، تردیدنماها و یقین‌نماها را در متون نقد کتاب‌های فارسی ارزیابی کنیم و به این پرسش کلیدی پاسخ دهیم که یافته‌های پژوهش حاضر تا چه اندازه یافته‌های سایر محققان از جمله، فری (۱۹۹۵)، بلچر (۱۹۹۷) و تسه و هایلند (۲۰۰۹) را در خصوص متغیرهای مختلف مانند تقسیم‌بندی مقاله نقد کتاب به گام و زیربخش، تشابه در ساختار مقاله نقد کتاب، و همچنین تفاوت زنان و مردان در استفاده از یقین‌نماها تأیید یا رد می‌کنند.

۵. پیکره پژوهش و روش گردآوری داده‌ها

برای انجام پژوهش حاضر ابتدا فهرستی اولیه از نشریات علمی-پژوهشی رشته زبان‌شناسی به زبان فارسی تهیه شد. شماری از نشریات این فهرست اولیه اصولاً مقاله نقد کتاب چاپ نمی‌کنند و بنابراین از میان فهرست تهیه شده، ۹ عنوان نشریه که در حوزه زبان‌شناسی نظری، مقاله نقد کتاب منتشر می‌کنند، انتخاب شدند. عنوان نشریات انتخاب شده به همراه اطلاعاتی در خصوص صاحب امتیاز و شمار مقالات نقد انتخاب شده از آنها در جدول زیر درج شده است.

^۱ P. Tse

جدول ۲) نشریات پیکره پژوهش

شماره‌ها انتخاب شده ی	صاحب امتیاز	عنوان نشریه	
۹	مرکز نشر دانشگاهی	مجله زبان‌شناسی	۱
۷	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	فرهنگ‌نویسی	۲
۷	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	نامه فرهنگستان	۳
۶	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	گویش‌شناسی	۴
۵	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	مجله دستور	۵
۳	دانشگاه بوعلی سینا	پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی	۶
۱	انجمن زبان‌شناسی ایران	مجله زبان و زبان‌شناسی	۷
۱	دانشگاه تهران	پژوهش‌های زبانی	۸
۱	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	فرهنگ	۹

محققان در تهیه پیکره پژوهش صرفاً مقالات نقد مربوط به کتاب‌های تألیفی رشته زبان‌شناسی را مدنظر قرار داده‌اند و مقالات معرفی و نقد آثار غیرفارسی یا ترجمه شده به فارسی را کنار گذاشته‌اند. همچنین ۳۵ مقاله از میان ۴۰ مقاله انتخاب شده مربوط به کتاب‌هایی هستند که دارای یک مؤلف بوده‌اند. از آنجا که در پژوهش حاضر، متغیر جنسیت نیز مدنظر بوده است، از میان ۴۰ مقاله نقد گزینش شده، ۲۰ نقد به قلم منتقدان زن و ۲۰ نقد نیز به قلم منتقدان مرد می‌باشد. برای جلوگیری از تأثیر معنی‌دار سبک‌های فردی بر یافته‌ها و دست‌یابی به جامعیت در پیکره پژوهش، تلاش کردیم ۴۰ مقاله نقد به قلم چند منتقد انگشت‌شمار نباشد. در پیکره این پژوهش پنج منتقد، هر یک صاحب ۳ مقاله نقد، و سه منتقد نیز هر کدام صاحب دو مقاله نقد هستند. به این ترتیب ۲۱ مقاله نقد توسط ۸ منتقد به رشته تحریر درآمده و بقیه مقالات (شامل ۱۹ مقاله) توسط ۱۹ منتقد نوشته شده است. محققان بر این باورند که انتخاب مقالات نقد نوشته شده توسط ۲۷ منتقد در یک رشته تخصصی امکان تعمیم یافته‌ها را میسر می‌سازد و تأثیر سبک‌های نوشتاری فردی را به حداقل می‌رساند. شایان ذکر است که محدوده زمانی انتشار مقالات نقد پیکره پژوهش از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. (نام منتقدان به همراه اطلاعات کتاب‌شناختی مقالات نقد بررسی شده در این پژوهش در ضمیمه مقاله قابل مشاهده است)

پس از آماده‌سازی پیکره هر مقاله را به سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه تقسیم کردیم. منظور از بخش مقدمه بخشی است که به مطالب کلی و مقدماتی (مانند توضیح در خصوص ضرورت انجام تألیف کتاب مورد نقد، پیشینه پژوهشی مؤلف و غیره) می‌پردازد. بدنه بخشی است که منتقد در آن ساختار و محتوای خود کتاب را ارزیابی می‌کند و بخش نتیجه نیز جمع‌بندی منتقد و توصیه‌های احتمالی او را دربرمی‌گیرد. شایان ذکر است که در موارد متعدد مقالات نقد پیکره پژوهش حاضر فاقد بخش مقدمه یا نتیجه بودند. لازم به ذکر است که ارجاعات درون‌متنی یا پانویس مقالات نقد جزء پیکره پژوهش حاضر قرار نگرفت و بنابراین نگرش‌نماهای مثبت و منفی یا تردیدنماها و یقین‌نماهای قسمت‌های مذکور مورد شمارش قرار نگرفت.

پس از بخش‌بندی هر مقاله، کلمات موجود در بخش‌های سه‌گانه هر مقاله شمارش شد. در این مرحله نیز متغیر جنسیت مدنظر قرار گرفت و شمار کلمات مقالات مربوط به زنان و مردان به صورت جداگانه محاسبه گردید. جدول شماره (۳) شمار کلمات پیکره زنان (۲۰ مقاله نقد) و پیکره مردان (۲۰ مقاله نقد) را به تفکیک سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه نشان می‌دهد. همان‌طور که در ستون سمت چپ مشاهده می‌کنیم، کل پیکره پژوهش شامل ۷۰۷۸۸ واژه است. درصد کلمات به کار رفته در بخش بدنه و مقدمه به ترتیب ۸۵٪ و حدود ۱۲٪ درصد بوده است و درصد ناچیزی از کلمات پیکره (کمتر از ۳٪) در بخش نتیجه جای گرفته است. مقایسه پیکره زنان و مردان نیز جالب توجه است. در حالی که شمار مقالات دو گروه زنان و مردان برابر است (هر گروه ۲۰ مقاله)، مجموع کلمات پیکره گروه مردان (۴۸۹۸۲) بیش از دو برابر مجموع کلمات گروه زنان (۲۱۸۰۶) است و به بیان دیگر، منتقدان مرد نقدهای مفصل‌تری نوشته‌اند.

جدول (۳) شمار کلمات در پیکره بر حسب بخش‌های مقاله

مجموع	نتیجه	بدنه	مقدمه	
۲۱۸۰۶	۳۱۴	۱۹۳۵۶	۲۱۳۶	پیکره زنان
۴۸۹۸۲	۱۳۸۱	۴۱۲۸۷	۶۳۱۴	پیکره مردان
۷۰۷۸۸	۱۶۹۵	۶۰۶۴۳	۸۴۵۰	کل پیکره

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا شش نمونه از متون پیکره پژوهش را که دربرگیرنده نگرش‌نماهای مثبت، نگرش‌نماهای منفی، تردیدنماها و یقین‌نماها هستند، مرور کرده و سپس با تکیه بر اطلاعات آماری مربوط به فراوانی چهار متغیر مذکور به تحلیل یافته‌های می‌پردازیم.

با دقت در پیکره پژوهش درمی‌یابیم که منتقدان از استراتژی‌های متنوعی برای بیان دیدگاه‌های خود در باره کتاب مورد بررسی استفاده کرده‌اند. در زیر به یکی از این استراتژی‌ها در متن یک منتقد زن می‌پردازیم:

(۱) مواردی که باید در اصلاح مدنظر قرار گیرد، به طور خلاصه عبارت است از:

به لحاظ نگارش: زوائد موجود در قسمت‌های مختلف فرهنگ حذف گردد و تعاریفی علمی‌تر با توضیحات ضروری ارائه شود. شکل نمودار بهتر است منطبق با صورت‌های استاندارد باشد. کمبودهای مربوط به فهرست واژه‌ها رفع گردد و نظمی به آنها داده شود (بهجو، ۱۳۷۵: ۴۳۸).

همان‌طور که در نمونه بالا می‌بینیم، منتقد ابتدا از یک یقین‌نما (باید) برای تأکید بر دیدگاه خود استفاده کرده است، و در ادامه با استفاده از شش نگرش‌نمای منفی که زیرشان خط کشیده شده است، به شش نقطه ضعف کتاب مورد نقد اشاره کرده است. نکته قابل توجه این است که منتقد در نگارش متن فوق، کاستی‌های کتاب را با ظرافت و در قالب توصیه ارائه کرده است و با این استراتژی ضمن بیان دیدگاه منتقدانه‌اش، وجهه مؤلف کتاب را نیز حفظ کرده است. برای مثال، هنگامی که منتقد پیشنهاد می‌کند «تعاریفی علمی‌تر با توضیحات ضروری ارائه شود»، به طور غیرمستقیم به خواننده نقد اعلام می‌کند که کتاب مورد بررسی دارای «تعاریفی غیرعلمی با توضیحاتی غیرضروری» است. همچنین منتقد در

سطر سوم به یک ایراد صوری کتاب (منطبق نبودن شکل نمودار با صورت‌های استاندارد) اشاره می‌کند، اما به جای آن که نقطه ضعف مذکور را به صورت مستقیم و صریح بیان کند، با استفاده از گروه فعلی «بهتر است» نگرش‌نمای منفی مطرح شده را در قالب یک پیشنهاد و بالطبع مودبانه‌تر بیان می‌کند.

استراتژی دیگری که منتقدان در بیان دیدگاه‌های خود استفاده کرده‌اند این است که در یک پاراگراف معین، یک یا چند امتیاز اثر را ذکر کرده و سپس بلافاصله به یک نقطه ضعف اشاره کرده‌اند. در زیر نمونه‌ای از این استراتژی را مرور می‌کنیم:

(۲) در پایان دو نکته در مورد ویژگی‌های این کتاب قابل ذکر است. نخست نثر روان و بسیار گویای آن است که فهم مطالب را بسیار آسان ساخته و باعث خستگی خواننده نمی‌شود. نکته دوم وجود برخی اشتباهات تایپی در کتاب است که البته تعداد آنها زیاد نیست. (راسخ‌مهند، ۱۳۸۴:۱۳۶).

در متن فوق، منتقد پس از درج چهار نگرش‌نمای مثبت (نثر روان؛ گویا؛ فهم مطالب را بسیار آسان ساخته؛ باعث خستگی خواننده نمی‌شود) از یک نگرش‌نمای منفی (وجود برخی اشتباهات تایپی) استفاده می‌کند. این استراتژی در پیکره پژوهش به وفور دیده می‌شود، به طوری که بسیاری از منتقدان ترجیح می‌دهند برای ایجاد فضایی متعادل، ایراد و اشکال اثر را در لابه لای نقاط قوت اثر مورد نقد بیان کنند. گفتنی است

یکی دیگر از استراتژی‌های رایج در میان منتقدان پیکره حاضر این است که آنان ابتدا به طور مفصل ایرادها و اشکالات صوری و محتوایی اثر را ذکر می‌کنند و در پایان نقد، در چرخشی ظریف و زیرکانه، کتاب را اثری شاخص معرفی می‌کنند. متن زیر نمونه خوبی از این استراتژی به شمار می‌آید:

(۳) به رغم اشکالات مختلف کتاب که در اینجا تنها به برخی از آنها اشاره شد، درآمدی بر گویش‌شناسی اثر مقدماتی سودمندی است که راهگشا و راهنمای پژوهشگران گویش‌ها خواهد بود (هاشمی‌میناباد، ۱۳۸۵:۱۸۹).

نقد کتاب به طور طبیعی با سخت‌گیری همراه است و صراحت یکی از ویژگی‌هایی چالش‌برانگیز این گونه به شمار می‌آید. البته مرز میان صراحت و خشونت زبانی همیشه روشن نیست و گاه انتقادات یک منتقد، از سوی عده‌ای بسیار تند و حتی توهین‌آمیز تلقی می‌شود. شایان ذکر است که در پیکره پژوهش حاضر، منتقدان مرد در اشاره به نقاط ضعف یک اثر با صراحت و قاطعیت بیشتری سخن گفته‌اند. در ادامه به نمونه‌ای از این صراحت اشاره می‌کنیم:

(۴) مثلاً طرح نسبتاً مفصل و نابهنگام اصل مرز اجباری (OCP) در آغاز کتاب (ص ۱۰)، از همان ابتدا خواننده را نگران و وحشتزده می‌سازد؛ یا طرح محدودیت مدرج (ص ۶۶) بی‌آنکه این محدودیت تعریف شده باشد، عملاً کار مطالعه را برای بسیاری از خوانندگان غیرممکن می‌سازد؛ یا طرح موضوع قواعد اصیل (default rules) (ص ۸۰) به گونه‌ای است که خواننده باید چند بار مطلب را بخواند تا کم‌کم با تکیه بر شواهد و البته تخیل خود از موضوع سردرآورد. (طیب‌زاده، ۱۳۸۵:۱۷۷).

منتقد در متن فوق علاوه بر استفاده از یک تردیدنما در سطر اول (نسبتاً) و یک یقین‌نما در سطر آخر (البته)، از یک نگرش‌نمای مثبت (مفصل) و شش نگرش‌نمای منفی (زیرشان خط کشیده شده است) استفاده کرده است.

تفاوت دیگر در میان منتقدان زن و مرد این است که منتقدان زن-دست‌کم در پیکره مطالعه حاضر- معمولاً در تحسین مؤلف و استفاده از نگرش‌نماهای مثبت اصطلاحاً دست و دل‌بازترند. در زیر نمونه‌ای از نقد یک منتقد زن را مرور می‌کنیم:

(۵) با توجه به دشواری دست یافتن به منابع و مآخذ جدید در این زمینه پژوهشی و نیز سنگینی و دشواری این کار ارزنده با اهمیت و اعتبار جهانی و این که نخستین بار است که این زبان گم‌شده واژه‌نامه‌ای همراه با آوانویسی پیدا می‌کند، باید انتشار فرهنگ سغدی را به جامعه فارسی‌زبان تبریک گفت و هم‌چنین به دانشمند بزرگ‌واری که در ابتدا خود زبان سغدی را به فارسی‌زبانان شناسانده و آموزش آن را باب کرده و سپس به آسان ساختن دست‌یابی به این زبان نو یافته و بازیافته و گنجینه واژه‌های غنی آن پرداخته است (زرشناس، ۱۳۷۴: ۱۳۱).

استفاده از عبارات تحسین‌آمیز نظیر «تبریک گفتن» «کار بااهمیت و اعتبار جهانی» و موارد مشابه آن در متون نقد نوشته‌شده توسط منتقدان مرد کمتر دیده می‌شود. برعکس، منتقدان مرد، اغلب در ارائه دیدگاه‌های خود سخت‌گیرانه‌تر قلم زده‌اند. در زیر نمونه‌ای از این سخت‌گیری را در بخش نتیجه نقد کتاب «فرهنگ نام‌های گیاهان ایران» بررسی می‌کنیم:

(۶) اکنون شاید به بنده حق بدهید که در باره سودمندی و ماندگاری این واژگان شک کنم. لازمه ماندگاری واژگان فنی اتفاق نظر و سلیقه اکثریت متخصصان و علاقه‌مندان جدی است. اگر، به فرض تقریباً محال، در زمینه نام‌های گیاهان ایران، روزی نیازی واقعی به نامگذاری محسوس شود، گمان نمی‌کنم صلاح و جایز باشد که کسی، ولو بسیار دلسوز و صمیمی و دردآشنا و سخت‌کوش (مانند آقای مظفریان که در رشته خود کم نظیر است)، یک‌تنه و با اِعمال سلیقه‌های شخصی دست به چنین کار عظیم و پرمسئولیتی بزند (اعلم، ۱۳۷۷: ۱۳۹-۱۳۸).

در متن بالا یک تردیدنا در سطر اول (شاید)، و یک تردیدنمای مرکب در سطر دوم (به فرض تقریباً محال) مشاهده می‌شود. این متن از بابت استفاده زیرکانه از استراتژی نقد تند و در عین حال مودبانه نمونه‌ای مثال‌زدنی به شمار می‌آید. منتقد در جمله‌ای طولانی و مرکب (گمان نمی‌کنم صلاح و جایز باشد ... دست به چنین کار عظیم و پرمسئولیتی بزند.)، یک نگرش‌نمای منفی را به خواننده خود اعلام می‌کند، اما در وسط جمله با استفاده از نگرش‌نماهای مثبت («دلسوز»، «صمیمی»، «دردآشنا»، «سخت‌کوش»، «کم‌نظیر») از بار تند و تیز آن می‌کاهد. البته باید اذعان کرد که خواننده معمولاً پیام جمله را در بند پایه (که در این مثال شامل نگرش‌نمای منفی است) جست‌وجو می‌کند و استفاده از نگرش‌نماهای مثبت در بند(های) پیرو تأثیر چندانی در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواننده ندارد.

در ادامه، یافته‌های آماری پژوهش را مرور می‌کنیم. شایان ذکر است که گردآوری داده‌ها بر اساس شناسایی و استخراج خودکار یا نیمه‌خودکار متغیرهای پژوهش صورت نگرفته است، بلکه تمام مقالات نقد پیکره به صورت جداگانه توسط مؤلفان مقاله مطالعه شد و نتایج حاصل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در جدول ۴ فراوانی متغیرهای پژوهش و همچنین فراوانی آنها در مقیاس ۱۰۰۰ واژه درج شده است. با توجه به ارقام مندرج، نگرش‌نماهای منفی و نگرش‌نماهای مثبت به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی را در کل پیکره را دارند و فراوانی تردیدنماها نیز اندکی بیش از یقین‌نماهاست. نگرش‌نماهای منفی تقریباً دو برابر نگرش‌نماهای مثبت هستند و این فاصله تا حد زیادی به کارکرد گونه نقد کتاب مربوط است. باید پذیرفت که معرفی و نقد کتاب به طور معمول با تمرکز در کاستی‌ها و اشکالات ساختاری و

محتوایی همراه است و حتی در مواردی اساساً وجود نقص و اشکالات جدی در یک کتاب باعث شده است منتقد دست به نگارش مقاله نقد اقدام کند.

جدول (۴) فراوانی نگرش‌نماهای مثبت و منفی و تردیدنماها و یقین‌نماها در کل پیکره

یقین‌نما	تردیدنما	نگرش‌نمای منفی	نگرش‌نمای مثبت	
۴۰۱	۳۹۱	۶۱۹	۳۲۱	فراوانی
۵/۵	۵/۶	۸/۷	۴/۵	در ۱۰۰۰ واژه

نمودار زیر تصویری از فراوانی متغیرهای پژوهش در مقیاس ۱۰۰۰ واژه را نمایش می‌دهد.



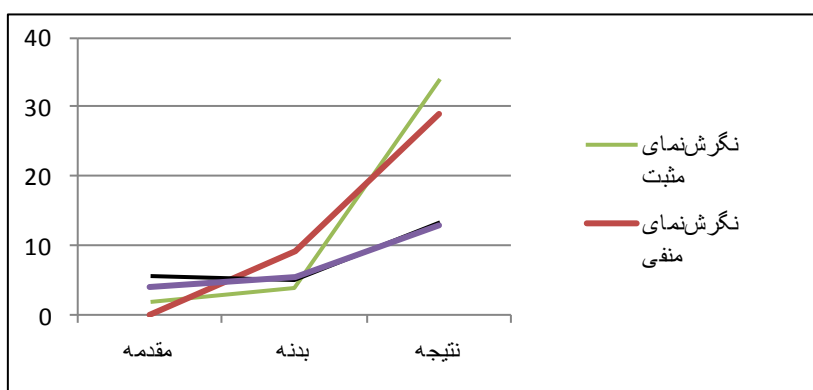
نمودار (۱) فراوانی متغیرهای پژوهش در مقیاس ۱۰۰۰ واژه

چنان که در بخش ۵ مقاله اشاره شد، محققان در این پژوهش هر مقاله نقد را به سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه تقسیم کرده‌اند. بررسی توزیع چهار متغیر پژوهش در بخش‌های سه‌گانه مقاله حائز اهمیت است، زیرا در خصوص پراکندگی اطلاعات کلیدی و مورد نظر منتقد و ساختاربندی مقاله نقد اطلاعات جالبی به دست می‌دهد. در جدول (۵) فراوانی واژه‌ها و عبارات ناظر بر نگرش‌نماهای مثبت و منفی و تردیدنماها و یقین‌نماها به تفکیک سه بخش مقدمه، بدنه و نتیجه مقالات مورد بررسی درج شده است. فراوانی یافته‌ها «در مقیاس ۱۰۰۰ واژه» نیز در داخل پراگمتر مشاهده می‌شود.

جدول (۵) فراوانی خام و فراوانی «در مقیاس ۱۰۰ واژه» متغیرهای پژوهش در بخش‌های سه‌گانه مقالات نقد

نتیجه	بدنه	مقدمه	
۵۹ (۳۴)	۲۴۶ (۴)	۱۶ (۱/۸)	نگرش‌نمای مثبت در ۱۰۰۰ واژه
۴۹ (۲۸/۹)	۵۷۰ (۹/۳)	۰ (۰)	نگرش‌نمای منفی در ۱۰۰۰ واژه
۲۳ (۱۳/۵)	۳۱۳ (۵)	۵۵ (۶/۵)	تردیدنما در ۱۰۰۰ واژه
۲۲ (۱۲/۹)	۳۴۳ (۵/۶)	۳۶ (۴/۲)	یقین‌نما در ۱۰۰۰ واژه
۱۵۳ (۹۰/۲)	۱۴۷۲ (۲۴/۲)	۱۰۷ (۱۲/۶)	مجموع در ۱۰۰۰ واژه

مطابق با نمودار زیر، در بخش مقدمه مقالات، فراوانی سه متغیر نگرش‌نمای مثبت، تردیدنماها و یقین‌نماها ناچیز است و این عدد در خصوص نگرش‌نمای منفی صفر است. به بیان دیگر، هیچ یک از منتقدان در مقدمه مقالات به نقاط ضعف و اشکالات کتاب مورد بررسی خود اشاره نکرده‌اند. منحنی‌های نمودار (۲) نشان می‌دهد که فراوانی متغیرها (بجز تردیدنماها) در بخش بدنه مقالات تا حدی افزایش می‌یابد و این افزایش در خصوص نگرش‌نماهای منفی محسوس‌تر است. شیب تند منحنی‌ها به ویژه در خصوص نگرش‌نماهای مثبت و منفی نشان‌حاکمی از آن است که منتقدان، بخش پایانی و نتیجه مقالات را مناسب‌ترین قسمت برای بیان نظرات خود می‌دانند. این نکته از جهت پژوهشی در مطالعات دسته‌بندی متون، به ویژه در پیکره‌های بسیار بزرگ حائز اهمیت است. برای مثال، چنانچه بخواهیم در مقیاسی گسترده مقالات نقد را تحلیل محتوا کرده و ارزش‌گذاری منتقدان را در خصوص کتاب‌های منتشر شده ارزیابی کنیم، بخش نتیجه‌گیری مقالات بایستی بیش از سایر بخش‌های مقالات مورد توجه قرار بگیرد.



نمودار ۲) توزیع متغیرهای پژوهش در پیکره به تفکیک بخش‌های مقدمه، بدنه و نتیجه مقالات

همان‌طور که در بخش ۴ مقاله مطرح شد، یکی از اهداف پژوهش حاضر مقایسه دو گروه از منتقدان زن و مرد در استفاده از چهار متغیر پژوهش می‌باشد. جدول (۶) اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای پژوهش به تفکیک متغیر جنسیت ارائه شده است.

جدول ۶) فراوانی خام و در مقیاس ۱۰۰۰ واژه چهار متغیر پژوهش در دو گروه زنان و مردان

یقین‌نما	تردیدنما	نگرش‌نمای منفی	نگرش‌نمای مثبت	
۸۲ (۳/۷)	۱۱۷ (۵/۳)	۱۲۶ (۵/۷)	۱۴۲ (۶/۵)	زنان
۳۱۹ (۶/۵)	۲۷۴ (۵/۵)	۴۹۳ (۱۰)	۱۷۹ (۳/۶)	مردان

در جدول بالا فراوانی متغیرهای چهارگانه شامل نگرش‌نمای مثبت، نگرش‌نمای منفی، تردیدنما و یقین‌نما به تفکیک دو گروه زنان و مردان نشان داده شده است. با توجه به این که پیکره گروه مردان بیش از دوبرابر پیکره گروه زنان است

(۴۸۹۸۲ واژه در مقابل ۲۱۸۰۶ واژه)، نسبت فراوانی متغیرهای پژوهش «در مقیاس ۱۰۰۰ واژه» داخل پرانتز درج شده است. مطابق با همین ارقام درمی‌یابیم که بسامد نگرش‌نماهای مثبت در گروه زنان (۶/۵) حدوداً دو برابر گروه مردان (۳/۶) است. به بیان دیگر، منتقدان زن در فرایند نقد نگرش مثبت‌تری داشته‌اند و منتقدان مرد در اشاره به کتاب مورد نقد کمتر از نگرش‌نماهای مثبت استفاده کرده‌اند. تفاوت دو گروه زنان و مردان در استفاده از نگرش‌نماهای منفی نیز معنی‌دار است. فراوانی نگرش‌نماهای منفی در گروه زنان (۵/۷) از فراوانی نگرش‌نماهای مثبت همین گروه (۶/۵) کمتر است، در حالی که در گروه مردان شاهد استفاده قابل توجه از نگرش‌نماهای منفی هستیم، به طوری که فراوانی نگرش‌نماهای منفی در گروه مردان ۱۰ می‌باشد. به عبارت دیگر، بر اساس یافته‌های این تحقیق، منتقدان مردان نسبت به منتقدان زن در نقد و ارزیابی کتاب مورد بررسی خود به گونه‌ای بارز سخت‌گیرتر هستند. این یافته با دیدگاه محققانی مانند فری (۱۹۹۵)، بلچر (۱۹۹۷) که قائل به تفاوت بنیادی در کلام زنان و مردان هستند هم‌راستا می‌باشد و به گونه‌ای دیدگاه جنسیت‌گرا در کاربرد زبان را تقویت می‌کند، هر چند تعمیم مطلق این ادعا منطقی نیست، زیرا کتاب‌های مورد نقد دو گروه زنان و مردان مشابه نیستند. نمودار (۳) تصویری از فراوانی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.



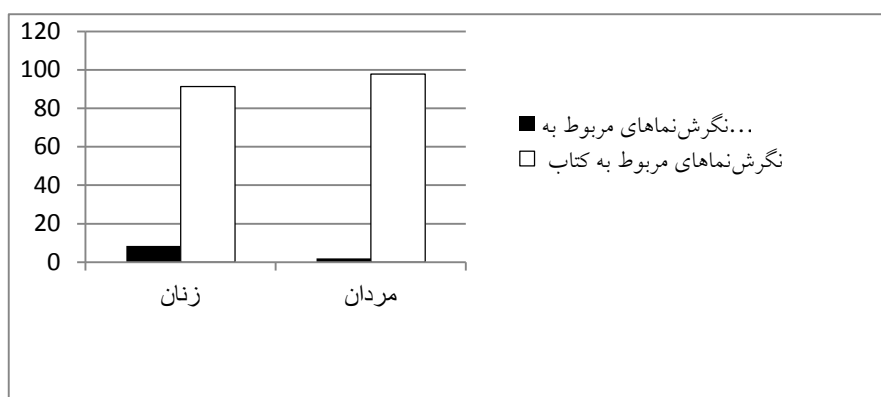
نمودار (۳) فراوانی متغیرهای چهارگانه پژوهش در دو گروه زنان و مردان در مقیاس ۱۰۰۰ واژه

یکی از مفاهیم مورد توجه محققان پژوهش حاضر تمایز میان عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در نقد کتاب است. منظور از عینیت‌گرایی، دقت بر اصل اثر و ساختار و محتوای آن بدون توجه به نام و جایگاه نویسنده و ناشر کتاب است. برعکس، منظور از ذهنیت‌گرایی، تمرکز منتقد بر حاشیه‌های یک کتاب، مانند موقعیت نویسنده و ناشر کتاب است. رویکرد عینیت‌گرا، خواننده متن نقد- چنانچه متن کتاب مورد نقد را در اختیار داشته باشد- می‌تواند بی‌کم‌وکاست دیدگاه منتقد را ارزیابی کند، در حالی که در رویکرد ذهنیت‌گرا، منتقد علاوه بر اصل کتاب به پیشینه علمی و گاه موقعیت شغلی نویسنده کتاب نیز می‌پردازد. بی‌تردید، رویکرد عینیت‌گرا از آنجا که قاعده‌مند و قابل سنجش مجدد است، علمی‌تر و جامع‌تر می‌نماید، در حالی که رویکرد ذهنی‌گرا اغلب با طرح دیدگاه‌های شخصی منتقد همراه است و اغلب فاقد اعتبار علمی و قابل استناد است. محققان مقاله حاضر برای مقایسه میزان عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در مقالات نقد دو گروه زنان و مردان، نگرش‌نماهای پیکره را به دو ریزطبقه کوچک‌تر شامل نگرش‌نماهای «مربوط به نویسنده» و «مربوط به کتاب» تقسیم کرده‌اند. چنان که از نام این دو ریزطبقه پیداست، منظور از نگرش‌نماهای مثبت و منفی «مربوط به نویسنده» مواردی است که منتقد به طور مستقیم در خصوص نویسنده کتاب نوشته است. کلماتی نظیر

«محترم» یا «کوشا» را می‌توان نمونه‌هایی از نگرش‌نماهای مثبت مربوط به نویسنده معرفی کرد. نگرش‌نماهای مثبت و منفی «مربوط به کتاب» نیز شامل مواردی است که منتقد در ارتباط با خود کتاب مورد نقد نوشته است. برای مثال، جمله «خواننده باید چند بار مطلب را بخواند تا کم‌کم با تکیه بر شواهد و البته تخیل خود از موضوع سردرآورد» نمونه از نگرش‌نمای منفی مربوط به کتاب است. بدیهی است میان موارد «مربوط به کتاب» و میزان عینیت‌گرایی منتقد رابطه مستقیم وجود دارد. به بیان دیگر، هر چه منتقد بیشتر در خصوص خود کتاب به ارزشیابی پردازد، میزان عینیت‌گرایی او بیشتر است. برعکس، پرداختن منتقد به نویسنده کتاب از عینیت‌گرایی متن می‌کاهد و نقد را گاه به تحسین‌های شخصی تقلیل می‌دهد. در جدول زیر فراوانی نگرش‌نماهای مثبت و منفی مربوط به نویسنده و کتاب را به تفکیک گروه زنان و مردان مشاهده می‌کنیم. مطابق با ارقام داخل جدول و همچنین ستون‌های نمودار (۴) درمی‌یابیم که مجموع فراوانی نگرش‌نماهای مثبت و منفی مربوط به نویسنده ۳۷ است، و موارد مربوط به کتاب ۹۰۳ می‌باشد. به این ترتیب، بخش عمده نگرش‌نماهای پیکره پژوهش حاضر معطوف به کتاب مورد بررسی است. البته فراوانی موارد فوق در دو گروه زنان و مردان تا حدی متفاوت است. با توجه به کوچک بودن حجم پیکره گروه زنان، پس از محاسبه درصد فراوانی نگرش‌نماهای مربوط به نویسنده و کتاب دریافتیم که منتقدان زن بیش از منتقدان مرد به نویسنده کتاب پرداخته‌اند و لذا میزان عینیت‌گرایی آنان کمتر است. این یافته نیز با رویکرد جنسیت‌گرا سازگار است و آن را تأیید می‌کند.

جدول ۷) فراوانی نگرش‌نماهای مثبت و منفی «مربوط به نویسنده» و «مربوط به کتاب»

نگرش‌نماهای منفی		نگرش‌نماهای مثبت		
مربوط به کتاب	مربوط به نویسنده	مربوط به کتاب	مربوط به نویسنده	
۱۲۲	۴	۱۲۳	۱۹	زنان
۴۸۹	۴	۱۶۹	۱۰	مردان



نمودار ۴) درصد فراوانی نگرش‌نماهای «مربوط به نویسنده» و «مربوط به کتاب» در دو گروه زنان و مردان

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش پیکره‌ای شامل ۴۰ مقاله نقد کتاب زبان‌شناسی فارسی را بر اساس الگوی نظری هایلند بررسی کردیم و دریافتیم که منتقدان از استراتژی‌های متنوعی برای بیان نظرات خود استفاده می‌کنند. استخراج و شمارش چهار متغیر زبانی پژوهش نشان داد که نگرش‌نماهای منفی و مثبت به ترتیب بیشترین و کمترین بسامد را دارند. به این ترتیب، گونه نقد کتاب، دست کم در حوزه زبان‌شناسی ایران به طور عمده رویکردی انتقادی دارد و بر نقاط ضعف اثر مورد نقد تأکید می‌کند. بررسی توزیع چهار متغیر زبانی نشان داد که بخش پایانی مقالات نقد کتاب متراکم‌ترین بخش از نظر کاربرد متغیرهای زبانی است و بخش‌های بدنه و مقدمه به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم جای می‌گیرند. همچنین رویکرد جنسیت‌گرا در خصوص تمایز میان زنان و مردان در استفاده از صورت‌های زبانی تأیید گردید، زیرا در فراوانی نگرش‌نماهای مثبت و منفی و یقین‌نماها شاهد تفاوت معنی‌دار در دو گروه زنان و مردان هستیم، به طوری که زنان حدود دو برابر مردان از نگرش‌نماهای مثبت استفاده کرده‌اند، در حالی که فراوانی نگرش‌نماهای منفی و یقین‌نماها در متون نقد گروه مردان دو برابر گروه زنان است. با طبقه‌بندی نگرش‌نماها به دو دسته موارد «مربوط به نویسنده» و «مربوط به کتاب» مشخص شد که منتقدان مرد بیش از منتقدان زن به خود کتاب مورد بررسی پرداخته‌اند و لذا رویکردی عینی‌گراتر را دنبال کرده‌اند. البته این یافته حاصل شمارش داده‌ها در پیکره پژوهش حاضر است و امکان دارد تفاوت در عینی‌گرایی مورد بحث تصادفی باشد. بدیهی است برای تعمیم یافته‌ها باید از پیکره‌ای به مراتب بزرگ‌تر استفاده کرد.

کتابنامه

- خانه کتاب، (۱۳۸۶). کتاب نقد و نقد کتاب. به اهتمام جمعی از نویسندگان، تهران: مؤسسه خانه کتاب.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۶). "آیین نقد کتاب". در کتاب نقد و نقد کتاب. به اهتمام جمعی از نویسندگان، تهران: مؤسسه خانه کتاب، صص ۱۳-۳۶.
- رضوی، محمدرضا (۱۳۹۱). "حدنمایی در زبان فارسی"، مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۳۰۵-۳۱۴.
- عبدی، رضا (۱۳۸۸). "به کارگیری راهبردهای فراگفتمان در مقالات علمی-پژوهشی فارسی و انگلیسی؛ مطالعه‌ی هنجارهای ژانری جامعه گفتمانی در مقاله‌های فارسی". مجله زبان و زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره اول، پیاپی نهم، صص ۱۶۳-۱۸۰.

- Alaraz-Ariza, M.A. (2002). "Evaluation in English-medium medical book reviews". *International Journal of English Studies*, Vol. 2 (1), 137-153.
- Belcher, D. (1997). "An argument for non-dversarial argumentation: On the relevance of the feminist critique of academic discourse to L2 writing pedagogy". *Journal of Second Language Writing*, VI.1, 1-21.
- Frey, O. (1990). "Beyond literary Darwinism: women's voices and critical discourse". *College English*, LII, 5, 507-26.
- Holmes, J. (1990). "Hedges and boosters in women's and men's speech". *Language and Communication*, Vol. 10. No. 3. 185-205.

- Hyland, K. (2005a). *Metadiscourse: Exploring Interaction in Writing*. London: Continuum.
- Hyland, K. (2005b). "Stance and engagement: A model of interaction in academic discourse". *Discourse Studies*, Vol. 7(2): 173-192.
- Lakoff, G. (1972). "Hedges: A study of meaning criteria and the logic of fuzzy concepts". In. Paul, Peranteau, J. Levi, G. Phares (eds.), *Papers from the Eighth Regional Meeting of the Chicago Linguistics Society*, 183-228. Chicago: Chicago University Press.
- Lindholm-Romantschuk, Y. (1998). *Scholarly Book Reviewing in the Social Sciences and Humanities: The Flow of Ideas within and among Disciplines*. Greenwood Press.
- Miranda, E. O. y. (1996). "On book reviewing". *Journal of Educational Thought*, XXX, 2, 191-202.
- Tse, P., K. Hyland. (2009). "Discipline and gender: Constructing rhetorical identity in book reviews". In. Hyland, K. and G. Diani (Eds.), *Academic Evaluation: Review Genres in University Settings*. 105-121. Palgrave Macmillan.
- Zuck, J.G. and L.V. Zuck. (1986). "Hedging in news writing". In. A.M. Cornu, J. Van Parjis, M. Delahaye, and L. Baten, (Eds.), *Beads or Bracelets? How Do We Approach LSP?* Selected Papers from the 5th European Symposium on LSP, 172-180.

منابع پیکره

- اعلم، هوشنگ (۱۳۷۷). "فرهنگ نام گیاهان ایران، نامه فرهنگستان"، سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۱۳، صص ۱۲۲-۱۳۹.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۴). "نقد کتاب اسم و صفت مرکب در زبان فارسی"، تألیف علاء‌الدین طباطبائی، مجله زبان‌شناسی، سال بیستم، شماره اول، بهار و تابستان. ۱۳۸۴، صص ۱۳۶-۱۳۳.
- بهجو، زهره (۱۳۷۵). "نقد فرهنگ مشتقات مصادر فارسی (جلد اول، حرف آ)"، فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ، ویژه زبان‌شناسی، سال نهم، شماره اول، شماره مسلسل ۱۷. صص ۴۳۹-۴۳۳.
- زرشناس، زهره (۱۳۷۴). "نقد کتاب فرهنگ سغدی (سغدی-فارسی-انگلیسی)"، نامه فرهنگستان. سال اول، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۲۵.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۵). "نقد کتاب واج‌شناسی، نظریه بهینگی"، تألیف محمود بی‌جن‌خان، مجله زبان‌شناسی، سال بیست و یکم، شماره اول و دوم، صص ۱۸۰-۱۷۶.
- هاشمی‌میناباد، حسن (۱۳۸۵). "نقد کتاب درآمدی بر گویش‌شناسی"، تألیف علی اکبر شیری، گویش‌شناسی (ویژه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، دوره سوم، شماره ۱ و ۲، صص ۱۸۹-۱۸۶.

